هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



نباید اجازه داد به نام نسل، نژاد، قوم و گروه در میان مردم ما فاصله ایجاد گردد.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ بیست و سوم ۳۱سنبله ۱۳۹۳ ۲۷ ذولقعده الحرام ۱۴۳۵ 22 Sep 2014

از سومین سالگرد شهادت استاد ربانی، هفتهٔ صلح و وحدت ملی گرامی داشت به عمل آمد

ص۴



رئیس جمهور: راه استاد را تعقیب می کنیم و از داعیهٔ صلح خواهی دست نمی کشیم.

استاد سیاف: حلقاتی‌که در فکر نابودی مجاهدین هستند، بدانند که پدران شان نیز این آرمان ها را بگور برده بودند.

ابراهیمی: استاد ربانی از سرآمدان روزگار بود که نقش او در چند مرحله قابل مکث و تحلیل است.

مسلمیار: مجاهدین مانند بلدوزرها در هموار سازی موانع ها نقش اساسی داشتند.

استاد اکبری: مرگ استاد پایان وی نیست، حیات فرهنگی و اندیشهٔ وی جاودان است و هزاران راه‌رو دارد.

خانم افضلی: استاد شهید پیش از اینکه به مبارزهٔ مسلحانه گام بگذارد، خود را با سلاح علم و اندیشه مجهز نمود.



محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در همایش سومین سالروز شهادت شهید صلح:

باور داریم که راه صلح، راه آیندهٔ با سعادت افغانستان است

ص۳

هفتهٔ صلح و وحدت ملی اسمی با مسمی

ص۲

پیروان استاد شهید با افکار و اندیشه های رهبرشان زندگی می کنند

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

هفتهٔ صلح و وحدت ملی اسمی با مسمی

خُرسندیم و خداوند را شکر گزاریم که تلاش های جمعی ملی و فشارهای جهانی نتیجه داد و طرح حکومت وحدت ملی در «هفتهٔ صلح و وحدت ملی» به ثمر نشست. هردو نامزد ریاست جمهوری پای سند حکومت وحدت ملی امضاء کردند و به توافق رسیدند و گره کور انتخابات باز شد و بن بست طولانی ترین و پر تنش ترین انتخابات دنیا شکسته شد. به یقین روز سُرور مردم این سرزمین می باشد که ماه هاست در انتظار آن بودند.

به نتیجه رسیدن روی حکومت وحدت ملی، توسط نامزدان ریاست جمهوری در گوش‌ها نوید خوش را به طنین انداخت. تلاش های مقامات ایالات متحدهٔ امریکا، ملل متحد، رهبران جهادی، سران سه قوهٔ دولت در این راستا قابل تمجید است. تأکید همگانی بر این بود تا هردو نامزد به تمام مسایل اختلافی که ماه هاست مردم را در بلاتکلیفی مواجه ساخته است، هرچه زودتر به نتیجهٔ نهایی برسند، تا از رفتن بسوی بحران های احتمالی، جلوگیری بعمل آید.

سرانجام، حوالی ساعت ۱۲ظهر یکشنبه ۳۰ سنبله، ارگ ریاست جمهوری شاهد امضای توافق نامهٔ حکومت وحدت ملی میان هردو نامزد بود.

اکنون که این سند به امضا رسیده است، دیده شود که داکتر عبدالله و داکتر احمدزی پای سند توافق شده چقدر متعهد باقی می مانند؟ رئیس جمهور کرزی طی سخنانی، امضای این توافق نامه را پایان انتظار مردم افغانستان خواند و تأکید کرد که با این اقدام و توافق، مردم احساس آرامش نموده اند.

در شمارهٔ ۲۲ هفته نامهٔ مجاهد، در همین ستون از هر دو نامزد ریاست جمهوری دعوت به عمل آمده بود، تا به مناسبت هفتهٔ صلح و وحدت ملی، و به پاس روحانیت شهید صلح رهبر معظم جهاد و مقاومت استاد برهان الدین ربانی، باهم کنار بیایند و این هفته، «هفتهٔ صلح و وحدت ملی» را به اسمی با مسمی تبدیل نمایند که خوشبختانه چنین شد.

مردم افغانستان باوجود چالش های فراوان، در ۱۶ حمل و ۲۴ جوزای ۱۳۹۳ با حضورشان پای صندوق های رأی رفتند و با حماسهٔ حضورشان، از این پروسهٔ ملی حمایت کردند. اما تقلب های سازماندهی شده که نمی توان از آن چشم پوشید، به آرای شهروندان صدمه زد و مردم افغانستان با دل ناخواسته پیامد آن را متحمل شدند.

حال که هردو نامزد به این توافق تن دادند، آرزومندی براین است، تا پایان این راه به تعهد شان وفادار بمانند و با کار مشترک و صادقانه روی منافع ملی و توسعهٔ کشور و رفاه و آسایش مردم، فعالیت نمایند.

طالبان پنجابی در میدان جنگ افغانستان

□ ابوبکر سبزوار

اگر به گذشته بنگریم، پیوند میان طالبان افغان و پاکستانی از آغاز بمیان آمدن تحریک طالبان افغان در سال ۱۹۹۵ وجود داشت و بعد ها زمانیکه تحریک طالبان پاکستان به تقلید از طالبان افغان بعنوان یک گروه جدید بمیان آمد، تی تی پی یا تحریک طالبان پاکستان تا مدتها زیرمجموعهٔ طالبان افغان بشمار می رفت.

طالبان پاکستانی برعکس طالبان افغان از همان ابتدای کار به مشکل تعدد شاخه ها مواجه شدند. هرچند منطقهٔ وزیرستان بعنوان خاستگاه طالبان پاکستانی تا مدتها سنگر مستحکم آنان بود و رهبران قدرتمندی چون بیت الله محسود از این منطقه طالبان سراسر پاکستان را رهبری می کردند اما با کشته شدن رهبران طایفهٔ محسود زمانیکه سرانجام بخشی از طالبان پاکستانی رهبری خارج از وزیرستان یعنی ملا فضل الله را که از سوات است به رهبری برگزیدند، اختلافات تاکتیکی که تا آن زمان به برخورد جدی میان آنان نیانجامیده بود، مبدل به جنگی تمام عیار شد.

تلاش های ملامحمد عمر برای آتش بس و نزدیک ساختن این گروه ها به نتیجه نرسید درحالیکه تمام این گروه ها در مورد رهبری ملامحمدعمر باهم اتفاق نظر داشتند اما در این اواخر به نظر می رسد که وضع تغییر کرده است. با بمیان آمدن گروه دولت اسلامی در عراق (داعش سابق) و اعلام خلافت از جانب ابوبکر بغدادی رهبر این گروه، بعضی از رهبران طالبان پاکستانی با وی اعلام بیعت کردند.

دولت پاکستان که درگیر جنگ با طالبان در منطقهٔ وزیرستان شمالی است می داند که این جنگ را نمی توان ادامه داد و نابودی کامل طالبان نیز نه ممکن است و نه مطلوب، بنابراین فوج پاکستان از همان ابتدای اعلام جنگ تلاش نمود تا طالبان را به دو گروه دشمن و بی طرف تقسیم نماید. زمانیکه بخشی از طالبان با داعش اعلام بیعت کرده اند، این کار می تواند اختلافات میان طالبان پاکستانی را تشدید نماید. اگر در آینده جنگی میان طالبان هم پیمان با داعش و سایر گروه های طالبان بخصوص هواداران مولانا فضل الله بمیان آید، این کار به نفع پاکستان است.

طالبان دشمن پاکستان از دید فوج آنهائی اند که به منافع پاکستان صدمه می زنند و با فوج پاکستان درگیر نبرد اند. جنگ این گروه علیه فوج پاکستان، بار بزرگی از مصارف را بردوش اقتصاد ناتوان پاکستان نهاده است. دولت پاکستان مدعی است که این گروه از طالبان که رهبری آنرا مولانا فضل الله بعهده دارد، از طریق افغانستان از هندوستان کمک های مادی و تسلیحاتی بدست می آورد.

فوج پاکستان می داند که مردم پاکستان در برابر هندوستان حساس اند بنابراین اتهام وابستگی به هند می تواند این گروه از طالبان را از حمایت مردمی در داخل پاکستان محروم سازد.

اما در میان گروه های مختلف از طالبان پاکستان، طالبان پنجابی کمتر علاقمند به جنگ با فوج پاکستان اند. دلیل این کار می تواند این باشد که پنجابی ها در ساختار قدرت نظامی و ملکی در پاکستان نقش اساسی دارند. بخصوص در شرایط فعلی که نوازشریف صدراعظم پاکستان نیز از پنجاب است.

طالبان پنجابی تمایلی به جنگ در پنجاب ندارند و میدان جنگ آنان بیشتر مناطق قبایلی بوده است. به همین دلیل پنجاب را علی الرغم تنش های مذهبی میان شیعه و سنی که در سه صوبهٔ دیگر پاکستان نیز وجود دارد، می توان امن ترین صوبهٔ این کشور دانست.

اعلام اخیر عصمت الله معاویه رهبر طالبان پنجابی مبنی بر اینکه این گروه بجای جنگ در پاکستان، قصد جهاد در افغانستان را دارد، فقط به منظور دادن اطمینان به فوج پاکستان عنوان شده است. گفته می شد که تعدادی از طالبان پنجابی در تحت رهبری ملافضل الله علیه فوج و ملیشه های پاکستانی در وزیرستان شمالی درگیر جنگ بوده اند اما رهبر این گروه با این اعلان می خواهد بگوید که حضور بعضی از طالبان پنجابی در وزیرستان به معنی جنگ با فوج پاکستان نیست بلکه آنها به منظور جهاد علیه نیروهای خارجی در افغانستان به وزیرستان در رفت و آمد اند.

هرچند طالبان پنجابی سالها قبل از این اعلان در میدان جنگ افغانستان حضور داشته و تعداد زیادی از آنان در نتیجهٔ این جنگ ها کشته و مجروح نیز شده اند اما این نکته را باید در نظر داشت که طالبان پنجابی در مقایسه با طالبان پشتون از آموزش های بهتر نظامی برخوردار اند، بنابراین حضور آنان به حمایت از طالبان افغان در جنگ، می تواند چالش برانگیز باشد. بخصوص که طالبان افغان از آغاز سال جاری بیشتر فعالیت های خود را در مناطق شمال افغانستان گسترش داده اند. آنها برای گسترش عملیات خویش در جنوب و شرق به نیروهای تازه نفس بیشتری نیاز دارند که حضور طالبان پنجابی می تواند پاسخی به این نیاز باشد.



محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در همایش سومین سالروز شهادت شهید صلح:

باور داریم که راه صلح، راه آیندهٔ با سعادت افغانستان است

د افغانستان د اسلامی جمهوریت لومړی مرستیال محمد یونس قانونی، ، محترم جهادی مشر استاد عبدرب الرسول سیاف، محترم داکتر عبدالله عبدالله د اصلاحاتو او همپالنی مشر او د هغوی مرستیالان، جهادی او سیاسی محترم مشران، د ملی شورا محترمو رییسانو، د ملی شورا محترم غړی، د کابینې د احترام وړ غړی، دینی محترمو علماوو، خویندو او ورونو!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

په ننی غونډه کی چی د جهاد، مقاومت او سولی د شهید او پخوانی ولس مشر استاد برهان الدین ربانی د شهادت په دریم تلین جوړه شوی، یو ځل بیا د شهید استاد له ارمانونو سره او د جهاد او مقاومت له ټولو شهیدانو سره، هوکړه کوو. که چیری وغواړو چی د یونیم میلیون شهیدانو غوره ځیری وړ په ګوته کړو، نو ساعتونه وخت نیسی نو مناسبه ده چی مخ کښو شهیدانو له کاروان ځخه څو نومونه واخلو او په تیره نن غواړم چی د اسلامی نهضت له لومړیو شهیدانو نومونه واخلم، کوم چی د اوسنی نسل لپاره کم پیژندل شوی لکه شهید پوهاند غلام محمد نیازی، انجینیر حبیب الرحمن، مولوی حبیب الرحمن، داکتر محمد عمر، انجینیر سیف الدین نصرتیار، عبدالقادر توانا، استاد غلام ربانی عطیش، سید عبدالرحمن، شهید سید اسمعیل پاسخ هاشمی، سید اکبر آغا، منهاج الدین ګهیز، او په سلګونو نور شهیدان چی دهغوی اروا ته سلام استوو.

همدارنګه، د جهاد او مقاومت او د نوی پړاو له نامتو شهیدانو لکه ملی اتل شهید انجینیر احمد شاه مسعود، حاجی عبدالقدیر، استاد عبدالعلی مزاری، سید مصطفی کاظمی، صبغت الله ذکی، جنرال خان محمد مجاهد، مولاناعبدالرحمن سید خیلی، جنرال محمد داوود داوود، مولانا شاه جهان نوری، احمد ولی کرزی، مولوی ارسلا رحمانی، عبدالمطلب بیګ، احمد خان سمنګانی، حشمت خان کرزی او په زرګنو نامتو شهیدانو په استازیتوب نومونه واخلو او همدارنګه د فقید مارشال روح ته سلام وراندی کړو.

ددی شهیدانو، جهاد او مقاومت او میړانه، سرښندنی او آزادی توب، د یو قوم، د یوپی سیمی او یا سمت لپاره نه و او نه دی. دغه شهیدانو له ټول افغان ولس نه استازی توب کوی او له دینی ارزښتونو او آزادی لپاره، ددی خاوری چی مونږ ټولو پوری اړه لری، خپل خانونونه قربان کړی. د ټولو شهیدانو ارواښاد او د هغوی یاد ته په درنښت او دهغوی لاره د ټولو آزادی خوښتونکو لپاره تل پاتی وی.

حضار گرامی!

با توجه به وضعیت حساس کنونی کشور، می خواهم روی سه نکته امروز صحبت کنم. ما همه امروز به مناسبت سومین سالروز شهادت رهبر جهاد و مقاومت گردهم آمده ایم، و می دانیم که، شهادت تحفهٔ الهی به بندگان خاص خودش است و از ارزش معنوی بالایی برخوردار است، اما ایکاش این شخصیت ها در شرایط دشوار کنونی با ما می بودند و از فکر و اندیشهٔ شان در راستای پیشرفت و سعادت جامعهٔ خویش استفاده می کردیم. در این سه سال بارها گفتیم که اگر از همان آغاز حکومت به



توطئهٔ ترور های زنجیره ای، به عنوان یک تهدید جدی نگاه و رسیدگی می کرد، ما امروز شاهد از دست دادن این همه شخصیت ها نبودیم.

در این چند سال و پس از ترور هر فرمانده و شخصیت نامدار جهاد و مقاومت، عالم دینی و متنفذ قومی، پیوسته گفتیم که اگر این پرونده ها پیگیری و عاملان اصلی آن شناسایی نشوند، ماشین خونخوار توطئه به کشتار مردم ما همچنان ادامه خواهد داد، و هر روز یک چهرهٔ با ارزش دیگری را از ما خواهد گرفت.

اما متأسفانه به این حرف ها توجهی چندانی نشد. چنان به نظر می رسد که ارادهٔ برای پیگیری این پرونده ها به صورت جدی و لازم آن وجود نداشت. دلیلش هرچه بود، اما نتیجه اش این است که در این راستا کاری نشد و ماشین کشتار دشمن، هنوز هم، هر روز از ما قربانی می گیرد. امروز چیزی را که می خواهم به وضاحت بیان کنم این است که اگر ما سیزده سال پیش، همانگونه که استاد شهید تأکید داشتند، در عبور از دولت اسلامیِ وقت، به ساختارِ نظام سیاسی سطحی فکر نمی کردیم، و به جای تن دادن به نسخه های غیر عَملی تحمیل شده، در انتخابِ مسیرِ آیندهٔ مان دقت لازم بخرچ می دادیم، ممکن در شرایط بهتر از امروز قرار می داشتیم. بی دقتی، ذوق زدگی و عجلهٔ سبب شد که اساس یک حکومت ضعیف گذاشته شود، که نتوانست از فرصت های بزرگِ تاریخی، با وجود کمک های میلیارد دالریِ جامعهٔ جهانی برای تأمین امنیت، تحقق صلح، سوق دادنِ کشور به سمتِ توسعه و پیشرفت استفاده ببرد.

خواهران و برادران محترم!

جمعیت اسلامی افغانستان، به خاطر درکِ مسوولیت تاریخی اش برای یک افغانستان با ثبات و مرفه، نخستین انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی را اساس گذاشت، و با وجود تحمل همهٔ بی مهری ها و توهین ها، کوشید که صادقانه با دولت مداران همکار و همگام باشد. هرچند، خیلی ها، این خوبی ها را با دادن القاب نادرست و رکیک به نام جنگ سالار و تفنگ سالار، پاسخ دادند، و از این هم پیشتر رفتند و مسوولیت جنایاتِ دیگران را نیز بر گردن مجاهدین انداختند، اما پاسخِ مجاهدین به ویژه جمعیت اسلامی، تعهد و همکاری برای یک افغانستان که، در آن همه اقوام در کنار هم در فضای صلح و صمیمیت زندگی کنند، بود.

جمعیت اسلامی این تعهد اش را با دادنِ بزرگترین قربانی یعنی با شهادت رهبر اش، بمنظور آوردن صلح پایدار در کشور بار دیگر درج تاریخِ کشور کرد. دراین سیزده سال دولت مداران را در برنامه های که فکر می کردیم برای آیندهٔ افغانستان سودمند است، همکاری کردیم؛ چون خداوند ما را مکلف کرده است که در راه درست، باید همکاری کنیم.

پس از شهادت رهبر جهاد و مقاومت، باز هم برای ادامهٔ راه و آرمان او برای تحقق صلح در این راه، از همه چیز مایه گذاشتیم، زیرا باور داریم که راه صلح، راه آیندهٔ با سعادت افغانستان است.

حضار گرامی!

جمعیت اسلامی، پس از شهادت رهبر شهید، به عنوان یک حزب مردمی و تاریخی، در برابر مردم و آیندهٔ کشور بی تفاوت باقی نماند. با درک حساسیتِ شرایط، و پس از معرفی تشکیلات موقتی، این حزب، در مشوره با دیگر جریان های سیاسی، وارد پروسهٔ انتخابات شد. پس از این که برخی ها نتوانستند همبستگی و همدلی برادرانه را در جمعیت صدمه بزنند، در جریانِ کارزار های انتخاباتی و پس از آن اتهام ها و حرف های نا مناسبی را به آدرس این حزبِ مردمی و ملی مطرح کردند. اما مردم شریف و مجاهد پرور افغانستان پاسخ آن ها را دادند.

مردم با رأی پاک، با انگشت های بریده و حنا جان های شیرین شان، اخلاص و اعتماد شان را به خانوادهٔ جهاد و مقاومت نشان دادند، و ثابت نمودند که جمعیت اسلامی افغانستان در قلب مردم جای دارد.

حضار گرامی!

در سه سال اخیر پیوسته تأکید داشتیم که سنت انتقال مسالمت آمیز قدرت باید ادامه یابد و مسیری را که به سمتِ پایدار سازی مردم سالاری آغاز کردیم، به پیش بپیماییم. اما در همان آغازِ پروسهٔ انتخابات، درک کرده بودیم که نمی شود به اسقلالیت و کارایی کارگزارانِ پروسهٔ انتخابات اعتماد کرد. به همین دلیل، هشدار دادیم که متولیان نهاد های ملیِ برگزار کنندهٔ پروسه انتخابات، دو گزینه در پیش رو دارند.

یا با رفتار و عمل صادقانه، در تاریخ مردم سالاری این کشور از خود نام نیک به جای می گذارند، و یا با ناتوانی و دغل بازی، هم اعتبار این نهادی های ملی را از بین می برند، و هم خود را بدنام تاریخ می سازند. ما همان زمان این را هم گفتیم که مردمِ امروزِ افغانستان، تنها در برابرِ نتیجهٔ شفافِ انتخابات تمکین خواهند کرد. اما متأسفانه این هشدار ها جدی گرفته نشد. نتیجهٔ این سهل انگاری را امروز می بینیم که در کجا قرار داریم.

حضار گرانقدر!

من امروز بارِ دیگر تاکید می کنم که هرگونه بی توجهی به خرد جمعی مردم که در ۱۶ حمل و ۲۴ جوزا به نمایش گذاشته شد، پیامدِ زیانباری برای آیندهٔ افغانستان دارد. همانگونه که مردم با درک مسؤولیت شهروندی پای صندوق های رأی رفتند، این مسوولیت شان را هم درک می کنند که چگونه از رأی شان پاسداری کنند. همان گونه که برای کسب حکومت مبنای مشروع ضرورت است، برای بقا و استمرارِ حکومت نیز تداوم مشروعیت و اعتمادِ مردم ضرورت جدی تر است. حکومت که مشروعیت اش ضعیف باشد، مردم هم به آن اعتماد نخواهند کرد و یک حکومت بسیار ضعیف و ناکارا خواهد بود. وقتی اعتمادِ مردم وجود نداشت، حکومت در نبود اعتماد مردم، کشور را دچارِ مشکلات و چالش های جدید خواهد ساخت.

حضار گرامی!

در اخیر می خواهم یک نکته را با استمداد به یک گفتهٔ استاد شهید، به همکارانِ بین المللی افغانستان بیان کنم. رهبر جهاد و مقاومت، هنگامی انتقال قدرت، در اول جدی سال ۱۳۸۰ خورشیدی، خطاب به جامعهٔ جهانی گفتند:

"جهان به ارادهٔ ملی مردمِ افغانستان، در تشکیل نظام و زعامت سیاسی شان احترام نماید، و مطابق ذوق و سلیقه های به خصوصِ هیچ جهتی، فردی، گروه و سیستم خاصی را بر مردم ما تحمیل نه نماید."

یقیناً این سخنان استاد شهید در شرایطی کنونی نیز می تواند، رهنمون خوبی برای سیاست مداران افغانستان و همکاران بین اللمی ما باشد. در پایان ضمن قدردانی از کمیسیون برگزاری سومین سالروز شهادت رهبر جهاد و مقاومتِ مردم افغانستان، مهمانان خارجی و کور دیپلوماتیک، مطبوعات ملی و بین المللی، و از حضورِ همهٔ شما عزیزان در همایش امروزی ابراز امتنان و سپاس گذاری می کنم.

أقول قولی هذا واستغفر الله لی ولکم
والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح

از سومین سالگرد شهادت استاد ربانی، هفتهٔ صلح و وحدت ملی گرامی داشت به عمل آمد



■ عنایت

از سومین سالگشت شهادت شهید صلح استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس جمهور سابق افغانستان با حضور رئیس جمهور، معاون اول ریاست جمهوری، اعضای خانوادهٔ شهید صلح تجلیل به عمل آمد. در همایش تجلیل از سال گشت استاد شهید، صدها تن از مردم متدین و مجاهد افغانستان به شمول رهبران جهادی، سران و اعضای شورای ملی، وزرای کابینه، نمایندگان کور دپلماتیک کشورهای دوست مقیم کابل، ورثهٔ شهداء، دانشجویان دانشگاه ها، خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرده بودند. روز شنبه تاریخ ۲۹ سنبله مراسم گل گذاری در جوار مرقد مطهر استاد در تپهٔ محمد وزیر اکبرخان به ساعت ۸ صبح آغاز شد. پس از ختم این مراسم همه به تالار خیمهٔ لویه جرگه رفتند و در آنجا از هفتهٔ صلح و وحدت ملی تجلیل کردند.

محفل در تالار لویه جرگه با تلاوت آیات متبرکه و نواختن سرود ملی رسماً به ساعت ده پیش از چاشت آغاز یافت و سپس محترم محمد ایوب سالنگی معین امنیتی وزارت امور داخله و رئیس کمیسیون برگزاری تجلیل از هفتهٔ صلح و وحدت ملی به حاضرین خیر مقدم گفت.

جنرال سالنگی ضمن سپاس گزاری از قوای امنیتی در برقراری صلح و امنیت در کشور به ادامهٔ راه شهداء تأکید کرد و به دشمنان صلح و امنیت هشدار داد، با شهادت رهبران و سران جهادی نمی توانند روحیهٔ استقلال طلبی و آزاد منشی را در میان رهروان و توده های مردم بگیرند.

سپس حامدکرزی رئیس جمهور به جایگاه فراخوانده شد و با ذکر چند خاطره در مورد عشق استاد به وطن اشاره نمود. وی گفت: در زمان جهاد، رهبران جهادی به کنفرانس کشورهای اسلامی به افریقا سفر داشتند. در میان راه در یکی از کشورهای اروپایی طیارهٔ حامل آنان توقف نمود. اما به آنان اجازه داده نشد، تا از اتاق که در آن سکونت داشتند، جهت خرید لوازم بیرون شوند. استاد به حاضرین گفت: اگر ما از کشورخود سفر می کردیم، باز این گونه برخورد با ما صورت نمی گرفت.

رئیس جمهور گفت: استاد شهید خیلی خیلی مهربان و یکی از بهترین فرزندان این خاک بود. وی ضمن یاد آوری از طرز لباس و چپن پوشیدن اش گفت: وقتی به قدرت رسیدم کشورهای غربی لباس های من را ستودند و من را شیک پوش خواندند. استاد روزی به من گفت: امروز این گونه از تو و از لباست تمجید می کنند، اما اگر از منافع کشور حرف زدی باز قضیه بر عکس است. چیزی که به قول کرزی همین طور هم شد و به حقیقت پیوست.

کرزی گفت: استاد شهید همیشه من را پند و نصیحت می کرد که درس های زیاد از آن ها آموختم. وی گفت ما به نام صلح فریب خوردیم و استاد شهید را از دست دادیم. کرزی گفت راه استاد را تعقیب می کنیم و از داعیهٔ صلح خواهی دست نمی کشیم.

سخنران دیگر این همایش استاد سیاف بود، استاد سیاف ضمن دعا و درود بر روح استاد ربانی و سایر شهدای کشور، مثل همیشه حرف های تندی را به آدرس آدم کشان زد. او خطاب به آنان گفت: شما که آدم می کشید در واقع حرام خدا را حلال می دانید به اتفاق تمام علمای اسلام از دایرهٔ اسلام خارج هستید.

استاد سیاف با اشاره به نصوص دینی قتل را،از جمله گناهان کبیره دانست و ریختاندن خون یک مسلمان را برابر با نابودی دنیا عنوان کرد. استاد سیاف مجاهدین را زینت این سرزمین خواند و تصریح کرد، اگر دولت مدال می دهد این مدال ها همه منسوب به یک مجاهد است. اگر مجاهدین نباشند دولت هیچ چیز ارزشی ندارد تا به گردن دیگران بی اندازد. رهبر حزب دعوت اسلامی گفت: امروز کشورهای همسایه به نام های ابدالی و غزنوی و غوری که سلسله شاهان این سرزمین است راکت ها می سازند اما برای مردم ما انتحاری روان می کنند.

استاد سیاف خطاب به دشمنان مجاهدین گفت: چیزی که می گویم مسوولانه می گویم حلقاتی که به زعم خودشان در فکر نابودی مجاهدین هستند و به فکر منزوی ساختن مجاهدین هستند، باید بدانند که پدران شان نیز این آرمان ها را بگور برده بودند. وی گفت: مجاهدین طرفدار جنگ نیست، از تواضع ما سوء استفاده نکنند و ضعف تعبیر نشود. زیرا ما فروتن و خادم ملت خود را احساس می کنیم و در بسا موارد از گذشت و عوف کار گرفته ایم.

در سومین سالگرد شهادت استاد ربانی، صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح نیز سخنرانی مبسوطی نمودند که متن کامل آن در همین شماره به نشر رسیده است.

عبدالرووف ابراهیمی نیز در این همایش سخنرانی نمود. وی ضمن تحلیل و بررسی واژهٔ شهید و شهادت، جایگاه شهداء را با استدلال از نصوص دینی توصیف کرد. وی در مورد استاد شهید گفت استاد ربانی از سرآمدان روزگار بود که نقش او در چند مرحله قابل مکث و تحلیل است. ابراهیمی گفت: استاد ربانی یکی از رهبران مؤثر کشور و جهان بود که در شکست روس ها، تشکیل حکومت و ایجاد صفوف مقاومت نقش محوری و تعیین کننده داشت.

فضل هادی مسلمیار رئیس مجلس اعیان ضمن بررسی جایگاه شهید و مجاهدین تصریح کرد که مجاهدین در آزادی و آبادی این مرزوبوم جایگاه بلند دارند. وی گفت: مجاهدین مانند بلدوزرها در هموار سازی موانع ها نقش اساسی داشتند. وی افزود، کسانی که در فکر حذف مجاهدین هستند، باید بدانند که این قدر ساده هم نیست، تا کسانی را که ریشه در دل مردم دارند، از سر راه به زودی دور ساخت.

در بخش این همایش یک دختر ده ساله به نام یلدا به سخنرانی پرداخت و ضمن برشمردن صفات حمیدهٔ شهید صلح گفت: استاد شخص مهربان بود و همیشه در لبانش تبسم دیده می شد و به اطفال مهربانی زیاد می کرد. یلدا مسوولان را متوجه اوضاع رقت بار کشور نموده از آنان خواست، به مشکلات مردم رسیدگی نمایند. وی عملکرد طالبان را که هر روز آدم می کشند تقبیح کرد و از آنان نیز خواست دیگر به سریال خون ریزی پایان بخشند.

استاد محمد اکبری عضو مجلس نمایندگان و یکتن از رهبران جهادی نیز در سومین سالگرد شهادت استاد به سخنرانی پرداخت. وی گفت: بدون شک شهادت استاد المناک و ضایعهٔ ملی و مصیبت جانکاه بود. استاد اکبری افزود، شهید صلح پروفیسور ربانی از معماران اصلی کاخ بلند جهاد و مجاهدین و از پیشوایان نهضت اسلامی در کشور بود.

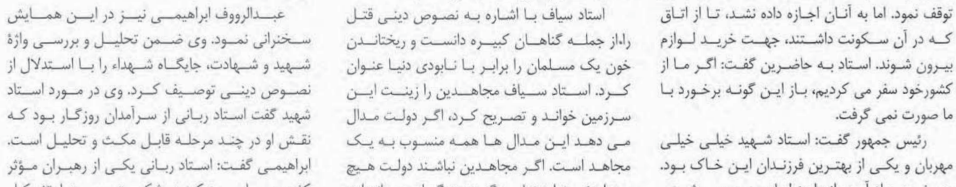
آقای اکبری گفت: استاد ربانی با تحویل دهی متمدنانهٔ قدرت که در تاریخ افغانستان سابقه نداشت، راه و رسم مدنی را به ارمغان گذاشت. وی گفت مرگ استاد پایان وی نیست، حیات فرهنگی و اندیشهٔ وی جاودان است و هزاران راه‌رو دارد.

آمنه افضلی وزیر کار و امور اجتماعی شهداء و معلولین نیز سخنرانی نمود. وی گفت: استاد شهید پیش از این که به مبارزهٔ مسلحانه گام بگذارد، خود را با سلاح علم و اندیشه مجهز نمود و آگاهانه در این مسیر قدم نهاد.

او گفت: استاد شهامت تحویل قدرت را داشت، چنانچهٔ از قدرت کنار رفتند، اما همیشه به دنبال تحقق آرمان های ملت که عبارت از تأمین صلح و رفاه همگانی بود، کنار نه رفتند و در این راه جان باختند.

به باور وی، سایر شهداء در راه وطن مسوولیت خود را ادا کرده اند و به رهروان آنان است تا در تعقیب راه آنان از سستی و تنبلی کار نگیرند. وزیر کار، از حکومت خواست موقف خود را در برابر دشمنان این مردم روشن و واضح بیان کند و در پالیسی های خود در روابط خارجی خطوط قرمز و محدود را رعایت نماید.

در پایان این همایش مولوی قیام الدین کشاف رئیس شورای علمای افغانستان با ذکر خاطرهٔ از استاد شهید و دعای خیر، محفل را پایان بخشیدند. ■



په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سیرت ونده

یوویشتمه برخه

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

خینې نظریات،د چاپېریال اغېز ارواپوهنیز اصل گني او خینې عالمان ترې انکار کوي او خینو نورو عالمانو له دې دوو نظرونو یو بل نظر را ایستی؛لکه د "داروین" نظر او د"پاولوف" د"شرطي انعکاس" نظریه،چې د تاریخي "ماتریالیسم" پر بنسټ ولاړه ده.

اسلام او د اروایوهنې اصول

مادي اروایوهان،د حقیقت او رښتیا له بهیره کاږه شوي او له خان سره یې خپل لارویان هم دې کندې ته ورگوزارکړي.هغوی د تېري، پر نورو واکمنې او لوړتیا غوښتنې،د انسان اړتیاوې گنلي،چې ورته د رسېدو لپاره،له هرې شونې لارې کار اخلي او پر همدې بنسټ یې ظالمانو ته د لوټ او وران کارۍ مخه پرانستې ده؛ خو اسلام دا ټولې غوښتنې کرکجنې بلي،چې د توارث او د بشري ټولنو له سمو عاداتو یې سرچینه نه ده اخستې او درملنې ته یې پر قرآن او نبوي سنتو عمل وړاندیز کړی دی.

دلته د مادي اروایوهنې له مخې،د انسان خینې غوښتنې څېړو او اسلامي لید توکه هم ورسره جوخت راولو:

ټولنیز ملاتړ او الهي ملاتړ

ټولنیز ملاتړ ته اړتیا،د بشر تر ټولو لومړۍ اړتیا ده،ترڅو چې ډېر اروایوهان یې د ژوند د طبیعي اړتیاوو؛لکه خوړو او خوب په لړ کې شمېري.

اسلام یې هم په انسان کې ټولنیز ملاتړ ته لېوالتیا په رسمیت پېژندلې او تینگار پرې کوي؛خو په دې باب د مادي او اسلامي فکر توپیر په دې کې دی،چې قرآن کریم،خدای د انسان د ملاتړ سرچینه بنیي او ددې حقیقت بیانوونکی دی، چې انسان د خپلې گټې او تاوان خاوند نه دی او د مړینې،ژوند او د قیامت پر ورځ د را ژوندیتوب په اړه واک نه لري. پیغمبر اکرم خلکو ته وویل: ((که په تاسې کې څوک له خدایه څه وغواړي؛نو له ټولو خلکو دې خپله هیله پرې کړي او بې له خدایه دې بل ته هیلمن نه وي،چې خدای یې غوښتنه پوره کړي.))

اوس،چې د اسلامي ټولنیز ملاتړ پر مفهوم پوه شو؛نو ښه به وي پر مهمو بنسټونو او سرېزو یې هم رڼا واچاوو:

د اسلامي ټولنیز ملاتړ،یو تر ټولو مهم بنسټ، د نیت او موخې سپېڅلتیا ده؛البته ټولو ښوونځیو انسان راهڅولی،چې باید موخه ولري او د اروایوهانو کلکه سپارښتنه ده،چې په چارو کې برې ته موخه ټاکل په کار دي، چې ژوند مو سمون، معقوله مانا او حرکت پیدا کړي او هڅه یې دوام ومومي او وایي:

((د موخې نه درلودل او یا یې ناڅرگندېدل،انسان پر ژوند بدگومانوي او ژوند له خپگان او ستړیا ډکوي.))

اسلام؛ژوند او انساني هویت،د خدای پر عبادت؛یعنې پر ځمکه د



خدای د خاپناستې د مفهوم پر پلې کېدو سره تړي. پردې مانا چې انسان دنده لري،د اسماني احکامو له مخې،د خدای عبادت وکړي.

د موخې په ټاکنه او ورته په پام کې د مادي انسان او مسلمان توپیر دادی،چې که مادي انسان خپلې موخې ته و نه رسېد؛نو خپگان پرې راځي او پوچي او بې ارزښتي احساسوي او ډېرې وخت له خپلو همځولیو په غچ اخستو او جنایتو لاس پورې کوي؛خو مسلمان تل د خپلې دندې سر ته رسولو ته چمتو وي او که خپلې موخې ته و نه رسېد؛نو معذور دی او اجر یې له خدای سره خوندي دی. مسلمان که الهي موخه ولري؛نو له ډگره نه تښتي، موخې ته ورسي که نه.

پیغمبر اکرم وایي: ((د کړو وړو ارزښت،د کوونکي په نیت پورې اړه لري.))

یعنې دا مهمه ده،چې د انسان موخه الهي وي،که موخې ته ورسېد او که نه،چې په داسې حالاتو کې،که د انسان نیت ښه وي؛خو موخې ته و نه رسي؛نو خدای په مهرباني خپل بنده ته تسل ورکوي چې:((د مومن نیت تر کړویې غوره دی.)) (دتېرې سرچینې ،څلورم حدیث)

[ژباړن:کېدای شي ننني پر مخ تللې نړۍ انسان ته ډېر څه ورکړي وي؛خو په ځنګ کې یې ډېر داسې څیزونه ترې اخستي،چې نه شتون یې پر انسان ژوند تریخ کړی او هغه پر ډول ډول عقلي ناروغیو د انسان اخته کېدل دي،چې د عقلي عصبي ناروغیو د متخصصینو د وینا له مخې،څه چې ننني انسانان په تېره خوانان کړوي، په ژوند کې د ارزښتناکې موخې نه درلودل دي؛یعنې ژوند ورته یوازې خوند اخستل ښوول شوي،چې د دنیا په یو خوند هم انسان نه مړېږي، چې په پای کې د ژوند پوچوالي او بالاخره خان وژنې ته رسي،چې ددې برخې متخصصین یې دې ته اړ کړل، چې په دې اړه په څېړنو لاس پورې کړي،چې له دې څېړنو، په زړه پورې او د وینا له مخې یې حېرانوونکې پایلې درلودې،چې ددې کتاب تر حوصلې لرې دي؛خو څو ته یې اشاره کوو؛د آلزایمر ناروغي په هغوی کې خورا لږه ده ،چې عبادت یې کاوه او پردې سربېره،په نویو اروایوهنیزو مقالو کې پردې خبره خورا ټینگار کېږي،چې انسان څو ډوله امنیت لري؛لکه جسمي،روحي او ټولنیز او هغه امنیت،چې دا امنیتونه تنظیم او رانغاړي او تر ټولو لوړ دی ((معنوي امنیت)) دی ، چې "عقلي عصبي" متخصصین غواړي د ننني ناکراره بشر د ارامۍ لپاره په خلکو کې معنوي امنیت غښتلی کړي او وايي،چې د هغو وګړیو عمر د نورو په پرتله اوږد دی،چې په ژوند کې معنویاتو ته یې پام وي او موخه ولري او څومره،چې دا معنویات او موخه سپېڅلې وي؛نو هومره د انسان ژوند خړوب او له خوشحالۍ ډک وي او نن هم، چې د دنیا د سترو اراوایوهانو؛لکه "وین ډبلیو ډایر"، "اسپنسر جانسون" او "جي پي واسواني" کتابونه پر همدې موضوع کښل شوي،چې په ټولو کې په ژوند کې د بریو او خوشحالیو د لاس ته راوړو لپاره پر ایمان او معنویاتو خورا ټینگار شوی دی،چې ښېلګه یې د وین ډبلیو ډایر د " There is a spiratual solution to every problem کتاب دی چې تر هغو زرونو کتابو یوه بېلګه ده، چې هڅه کوي د مادي انسان مخه معنویاتو ته راواړوي .]

ادامه لري

پیروان استاد با افکار و اندیشه های رهبرشان زندگی می نمایند

خلیل مینوی

بیست و نهم سنبله مصادف با سالروز شهادت استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهوری پیشین کشور رهبر جهاد و مقاومت است که سه سال قبل در چنین روزی در راه داعیهٔ صلح به شهادت رسید . استاد برهان الدین ربانی شخصیت اثر گذار سیاسی در کشور بوده، بینش او در ایجاد یک جامعهٔ مرفع تامین عدالت اجتماعی، رشد و انکشاف فکری که در آن ضوابط و ارزش های اسلامی معیار بود، شکل یافته بود.

استاد ربانی درک واضح از اجتماع و کشور داشت و با یک انگیزهٔ اسلامی که توام با حفظ ارزش های ملی بود، می کوشید به عنوان یک فرد و عضو موثر داخل اجتماع گردد و اصلاح را به وجود آورد و با همفکران خود برای ایجاد یک نظام مردمی که پایه و اساس آن را ارزش های اسلامی تشکیل می داد، کار می کرد. او به منظور آرایش جامعهٔ با ارزش های اسلامی و ملی، مبارزهٔ خود را از زادگاهش در بدخشان و بعد درکابل آغاز کرد. سپس غرض ادامهٔ تحصیل به مصر رفت و بعد از برگشت از قاهره و به عنوان یک آموزگار وارد صحنهٔ آموزش در محیط دانشگاهی کشور شد و برای ترویج و گسترش دانش، اخلاق و ضوابط اسلامی همفکران زیادی پیدا کرد و برای ایجاد یک جامعهٔ اسلام سالار تلاش نمود و در بیان حقایق و تنویر اذهان عامه هیچ مصلحتی را درنظر نگرفت و به هیچ معامله تن نداد.

بینش وسیع خرد دانشگاهی و عزم متین او برای ایجاد یک جامعهٔ اسلامی او را به یکی از چهره های برتر نهضت اسلامی در کشور مبدل ساخت زیرا پاسداری از ارزش های دینی و وطنی یکی از ویژگی های فکری و سیاسی استاد ربانی را تشکیل می داد که بعداً همین علم و تقوا و درایت او را به یکی از رهبران بزرگ جهاد مردم افغانستان در برابر استیلای خارجی و تجاوز ارتش سرخ مبدل ساخت. استاد با ارادهٔ متین به عنوان یک فرزند مسلمان کشور یک بخش عظیم مجاهدین را در دوران جهاد رهبری کرد و جمعیت اسلامی را که از اولین جریان های سیاسی ملی و اسلام گرا بود به عنوان یک جریان قوی سیاسی در سطح کشور و منطقه معرفی کرد. استاد دراین مدت به عنوان یک رهبر ملی، صادق و واقع بین در عرصهٔ سیاست تبارز کرد.

استاد در برخورد و تعامل با سایر جریان های سیاسی به عنوان یک مرد معتدل باقی ماند درحالیکه در برابر متجاوزین و گروه های وابسته به آنها همچنان یک مبارز سرسخت بود و بعد از پیروزی مجاهدین برای ایجاد یک حکومت مقتدر اسلامی دست به کار شد و با انبوهی از مشکلات که در راه ایجاد چنین یک حکومت از سوی عمال بیگانه و سازمان های استخباراتی بیرونی خلق شده بود، مقاومت کرد و به عنوان یک پاسدار متین و قوی از ارزش های اسلامی و ملی باقی ماند و بسیاری از توطیه های استخبارات بیرونی را عقیم ساخت و همیشه به این نکته تاکید داشت که، فقط ایجاد یک نظام ملی و اسلامی که بتواند عدالت اجتماعی را درکشور تامین کند، می تواند گره گشای مشکل باشد.

استاد حضور مردم را در صحنهٔ سیاسی کشور حتمی می دانست و برگزاری یک انتخابات عادلانه را مسیر مناسب در رسیدن به این هدف تلقی کرد. درحالیکه جریان های افراطی و وابسته به استخبارات بیرونی در صدد حذف هویت ملی ما بودند، استاد با درایت و تعهد محکم رهبری مقاومت علیه اشغال پاکستان را که در وجود طالبان متحجر شکل گرفته بود به عهده گرفت وآن را مدبرانه مدیریت کرد. استاد در کوبیدن طالبان و سرنگونی رژیم این گروه نقش کلیدی داشت و بعداً در ایجاد ادارهٔ موقت و سپردن مسالمت آمیز قدرت بازهم محوری عمل کرد.

استاد ربانی هیچگاهی از اندیشهٔ حکومت به مردم، تأمین صلح و ایجاد یک حکومت فراگیر ملی کوتاه نه آمد با آنکه مردم ما و آنانی که در جهاد و مقاومت تجارب تلخی از طالبان و گذشتهٔ زشت این گروه داشتند، استاد رهبری شورای عالی صلح را در کشور بدست گرفت تا زمینه را برای مشارکت همگانی در صحنهٔ سیاسی کشور مساعد سازد. او در کارش و در کشاندن مخالفان مسلح به سوی حاکمیت مردمی موفق بود درحالیکه استخبارات خارجی که خود گردانندهٔ جریان های افراطی و تروریستی اند این حرکت استاد ربانی را تحمل نکردند و با فرستادن یک اجنت و گماشتهٔ شان به عنوان پیام آور صلح او را مظلومانه به شهادت رساندند تا باشد داعیهٔ صلح و انگیزهٔ تامین وحدت ملی را از مردم ما بگیرند.

استاد در راه تامین صلح درکشور که امر خداوند قادر است جانش را از دست داد مگر اندیشه و تفکر بلند او همچنان نزد مردم ما زنده است. پس نمی توان اندیشه های استاد را دفن شده یافت بل هر اجنبی و بیگانه پرور باید بداند که مردم ما با اندیشه ها و افکار رهبر شان زندگی می کنند و دراین راه مقاوم اند.

موافقت نامه میان دو تیم انتخاباتی در مورد ساختار حکومت وحدت ملی

کابل – ۲۹ سنبله ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحیم

افغانستان در این مقطع خاص تاریخی به یک حکومت مشروع و کارا نیاز دارد که به تطبیق نمودن یک برنامه همه جانبه اصلاحات در راستای توانمندسازی مردم افغانستان متعهد باشد، تا در نتیجهٔ آن ارزشهای قانون اساسی در زندگی روزمره مردم افغانستان محقق گردد. همکاری واقعی سیاسی میان رییس جمهور و رییس اجرایی، تحت قیادت رییس جمهور، باعث تحکیم ثبات در کشور میگردد. حکومت وحدت ملی با پابندی به اجماع سیاسی و تعهد به اصلاحات و تصمیمگیری مشترک، آرمانهای مردم افغانستان را برای تامین صلح ،ثبات، امنیت، حاکمیت قانون، عدالت، رشد اقتصادی و عرضه خدمات، با توجه خاص به زنان، جوانان، علمای کرام و اشخاص آسیب پذیر ، برآورده میسازد .به علاوه ،این توافقنامه بر نیاز به مشارکت واقعی و هدفمند و همکاری موثر در امور حکومت؛ به شمول طرح و تطبیق اصلاحات مبتنی میباشد.

این موافقتنامه به تنهایی خود نمیتواند رابطه میان رییس جمهور و رییس اجرایی را به صورت کامل تعریف کند، بلکه این رابطه باید در نتیجهٔ تعهد هر دو جانب به مشارکت، تعاون، همکاری و مهم تر از همه، مسوولیت پذیری در برابر مردم افغانستان تعریف گردد. رییس جمهور و رییس اجرایی متعهد و مکلف به کار مشترک با روحیه همکاری با همدیگر میباشند.

الف ـ برگزاری لویه جرگه به منظور تعدیل قانون اساسی و بررسی طرح ایجاد پست صدراعظم اجرایی:

۱. بر اساس ماده دوم اعلامیه مشترک مورخ ۱۷ اسد ۱۳۹۳ (8 آگست ۲۰۱۴ و ضمیمهٔ آن) "... تشکیل لویه جرگه در مدت دو سال تا پُست صدر اعظم اجرایی را مورد مداقه قرار دهد"(، رئیس جمهور متعهد است تا لویه جرگه را به منظور بحث روی تعدیل قانون اساسی و ایجاد پست صدر اعظم اجرایی دایر نماید.

۲. رییس جمهور، بعد از انجام مراسم تحلیف در مشوره با رئیس اجرایی ،طی یک فرمان، کمیسیونی را به منظور تهیهء پیش نویس تعدیل قانون اساسی تشکیل میدهد.

۳. به تأسی از حکم ماده ۱۴۰ قانون اساسی، حکومت وحدت ملی متعهد است تا بر اساس قانون و به منظور تکمیل نصاب لویه جرگه، مطابق بند ۲ ماده ۱۱۰ قانون اساسی، در زود ترین فرصت ممکن انتخابات شوراهای ولسوالیها را برگزار کند.

۴.حکومت وحدت ملی متعهد است تا قانون تشکیلات اساسی دولت را تصویب و نافذ گردانیده، مرزها و حدود واحدهای اداری محلی را از مجاری قانونی تعیین نماید .

۵.حکومت وحدت ملی متعهد است تا روند توزیع تذکره الکترونیکی/ کمپیوتری را برای تمام شهروندان کشور، در زودترین فرصت ممکن، تکمیل کند.

۶.موارد فوق و سایر موارد توافق شده طی یک جدول زمانی که ضمیمهٔ این موافقتنامه است، تطبیق میگردند.

ب ـ پُست رییس اجرایی:

- تا زمان تعدیل قانون اساسی و ایجاد پُست صدراعظم اجرایی، پست رییس اجرایی بر اساس ماده پنجاهم قانون اساسی، ماده دوم اعلامیه مشترک و ضمیمهٔ آن با فرمان رییس جمهور ایجاد میگردد. رییس اجرایی و معاونین اش در مراسم تحلیف رییس جمهور معرفی میگردند.
- رییس اجرایی حکومت، با وظایف صدراعظم اجرایی، بر اساس پیشنهاد کاندیدای دوم و موافقه رییس جمهور تعیین میگردد. رییس اجرایی به رییس جمهور پاسخگو میباشد.
- تشریفات خاص برای رئیس اجرایی در فرمان رییس جمهور در نظر گرفته میشود.
- با در نظرداشت ماده های ۶۰، ۶۴، ۷۱ و ۷۷ قانون اساسی، رییس جمهور طی فرمانی ،صلاحیت های اجرایی مشخصی را به رییس اجرایی تفویض میکند، که موارد عمدهٔ این صلاحیتها قرار ذیل اند:

1. اشتراک رییس اجرایی با رییس جمهور در مجالس دو جانبه تصمیم گیری؛

۲. پیشبرد امور اداری و اجرایی حکومت که توسط فرمان رییس جمهور مشخص میگردد؛

۳.تطبیق برنامه اصلاحات حکومت وحدت ملی؛

۴.پیشنهاد اصلاحات در تمام ادارات حکومتی و مبارزه قاطع با فساد اداری در حکومت؛

۵.اعمال صلاحیتهای مشخص اداری و مالی که بر اساس فرمان رییس جمهور تعیین میگردد؛

۶.تامین رابطه کاری قوهٔ اجرائیه با قوای مقننه و قضائیه در چوکات وظایف و صلاحیتهای تعریف شده؛

۷. تطبیق، نظارت و حمایت از پالیسیها، برنامه ها و امور بودجوی و مالی حکومت؛

۸. ارائه پیشنهادات و گزارشهای لازم به رییس جمهور؛

۹. به صفت رئیس دولت و حکومت، رئیس جمهور کابینه را رهبری میکند. مجالس کابینه، نظر به صوابدید رئیس جمهور روی استراتیژی، پالیسیها، بودجه، تخصیص منابع و طرح قوانین، در پهلوی سایر صلاحیتها و وظایف آن، دایر میگردد. کابینه متشکل از رئیس جمهور ،معاونین رییس جمهور ،رییس اجرایی، معاونین رییس اجرایی، مشاور ارشد و وزراء میباشد. رییس اجرایی مسوول مدیریت تطبیق پالیسیهای حکومت است که در کابینه اتخاذ میگردد و در مورد پیشرفت امور هم مستقیماً به رییس جمهور و هم در مجالس کابینه گزارش میدهد. به همین منظور، رییس اجرایی جلسات نوبتی هفته وار شورای وزیران را دایر میکند که متشکل از رییس اجرایی، معاونین رییس اجرایی و تمام وزیران میباشد. شورای وزیران، امور اجرایی حکومت را به پیش میبرد. همچنان مجالس کمیته های فرعی شورای وزیران تحت ریاست رییس اجرایی دایر میگردند. بر مبنای این ماده موافقتنامه، رئیس جمهور، طی یک فرمان، شورای وزیران را به عنوان یک نهاد نو و مجزا از کابینه ،تعریف و اعلام خواهد کرد.

۱۰. ارائه مشوره و پیشنهاد به رییس جمهور در مورد تعیین و عزل مقامات عالی رتبه حکومتی و سایر امور مربوط به حکومت.

11. نماینده گی خاص از رییس جمهور در سطح بین المللی حسب لزوم دید رییس جمهور.

۱۲. رییس اجرایی عضو شورای امنیت ملی میباشد.

۱۳. رییس اجرایی دارای دو معاون است؛ معاونین رییس اجرایی در مجالس کابینه و شورای امنیت ملی عضویت دارند. وظایف، صلاحیتها و مسوولیتهای معاونین رییس اجرایی، با درنظرداشت وظایف و صلاحیتهای رییس اجرایی و در نظر گرفتن تشریفات مناسب برای آنها ،به پیشنهاد رییس اجرایی از سوی رییس جمهور طی یک فرمان منظور میگردد.

ج ـ تعیینات مقامات عالی رتبه:

بر اساس اصول مشارکت ملی، نمایندگی عادلانه، شایسته سالاری، صداقت و تعهد به برنامه های اصلاحات حکومت وحدت ملی، طرفین به موارد آتی متعهد هستند:

- برابری در انتخاب کادرها میان رئیس جمهور و رئیس اجرایی در سطح رهبری ادارات کلیدی امنیتی ،اقتصادی و ادارات مستقل؛ در نتیجه این برابری و به اساس فقره های ب(۱۲) و(۱۳) که در بالا ذکر گردیده ، حضور هر دو جانب در شورای امنیت ملی، در سطح رهبری، مساوی و در سطح اعضا برابر گونه خواهد بود .
- رییس جمهور و رییس اجرایی بالای یک مکانیزم مشخص برای تعیین مقامات عالیرتبه به اساس شایستگی موافقه میکنند. این میکانیزم زمینهء اشتراک کامل رییس اجرایی را در پیشنهاد افراد مناسب برای پستهای مورد نظر و رسیدگی کامل به این پیشنهادات فراهم میکند. رئیس جمهور و رئیس اجرایی در مطابقت با روحیهٔ اعلامیهٔ مشترک و ضمیمه آن (مادهٔ پنجم)، در انتخاب مقامات عالیرتبه خارج از میکانیزم اصلاحات اداری در ادارات و موسسات دولتی، به شمول پستهای کلیدی قضایی و ادارات محلی، که بتواند به نماینده گی برابرگونه هر دو جانب منجر شود، مجدانه مشورت میکنند و در این خصوص، فراگیری و ترکیب سیاسی - اجتماعی کشور؛ به ویژه زنان، جوانان و اشخاص دارای معلولیت را مورد توجه خاص قرار داده و همچنان به اصلاحات سریع در کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی متعهد هستند .
- زمینه سازی برای سهم گیری وسیع شخصیتها و کادرهای ورزیده در سطوح مختلف نظام و استفاده از این فرصتها برای تامین صلح و ثبات پایدار و ایجاد اداره سالم؛

دـ ایجاد پُست مقام رهبری تیمّ دوم:

به تأسی از اعلامیهٔ مشترک مورخ ۱۷ اسد ۱۳۹۳ (۸ آگست ۲۰۱۴ و ضمیمهٔ آن) به هدف استحکام و توسعه دموکراسی، مقام رهبری تیم دوم، که در سند مذکور از آن به حیث رهبر اپوزیسیون نام برده شده، توسط فرمان رییس جمهور در چارچوب دولت جمهوری اسلامی افغانستان ایجاد و به رسمیت شناخته میشود. مسوولیتها ،صلاحیتها و امتیازات این مقام در فرمان مذکور تسجیل میگردد. بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی با حضور تیم دوم بر اساس این موافقتنامه، این مقام منحیث متحد حکومت وحدت ملی عمل میکند.

هـ ـ اصلاحات در نظام انتخاباتی:

به منظور حصول اطمینان از اینکه انتخابات در آینده افغانستان از اعتبار کامل برخوردار باشد، نظام انتخاباتی افغانستان (قوانین و نهاد ها) به تغییرات بنیادی نیاز دارد. رییس جمهور با درنظرداشت ماده ۷ چارچوب سیاسی بلافاصله پس از تاسیس حکومت وحدت ملی، کمیسیون خاصی را با هدف اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان طی یک فرمان ایجاد میکند. اعضای کمیسیون خاص با توافق رییس جمهور و رییس اجرایی تعیین میگردند .کمیسیون خاص در مورد پیشرفت کارها به رییس اجرایی گزارشده بوده و کابینه پیشنهادات این کمیسیون را بررسی نموده و اقدامات لازم را برای تطبیق آن روی دست میگیرد. لازم به ذکر است که تطبیق اصلاحات انتخاباتی باید قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۳۹۴ صورت گیرد .

و ـ تطبیق:

1. تفاوت دیدگاه و اختلاف در مورد تعبیر یا تعمیل این موافقتنامه با مشورت جانبین حل میگردد .

۲. طرفین از نقش جامعه بین المللی در تسهیل موافقتنامه های سیاسی و تخنیکی اظهار قدردانی نموده و از اطمینان شان به طرفین در حمایت از اجرای این موافقتنامه و همکاری شان با حکومت وحدت ملی استقبال میکنند .

زـ اجرایی شدن:

با احترام به تعهدات شامل موافقتنامه های تخنیکی و سیاسی مورخ ۲۱ سرطان ۱۳۹۳ (۱۲ جولای ۲۰۱۴) و اعلامیه مشترک مورخ ۱۷ اسد ۱۳۹۳ (8 آگست ۲۰۱۴) ، طوریکه در این موافقتنامه انعکاس یافته است ،طرفین بر تعهد خود در مورد برآیند انتخابات و تطبیق این موافقتنامه به منظور تشکیل حکومت وحدت ملی تاکید میکنند؛ این موافقتنامه با امضای هر دو کاندیدا در حضور شاهدان داخلی و بین المللی، اجرایی خواهد شد .

جلالتمآب داکتر اشرف غنی احمد زی

جلالتمآب داکتر عبدالله عبدالله

جلالتمآب جیمز کنینگهم
سفیر ایالات متحدهٔ امریکا

جلالتمآب یان کوبیش
نمایندهٔ خاص سرمنشی ملل متحد

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۸ سنبله:

• در پی حملهٔ گروهی از مهاجمان مسلح بر ریاست امنیت ولایت ننگرهار، شش تن شهید شدند و بیست و شش تن دیگر زخم برداشتند. حوالی ساعت پنج صبح امروز، هشت مهاجم انتحاری بر ساختمان ریاست امنیت ولایت ننگرهار در شهر جلال آباد حمله کردند. سخنگوی فرماندهی پولیس این ولایت به رسانه ها گفته است که، دو مهاجم انتحاری خود را منفجر کردند و شش مهاجم دیگر از سوی پلیس کشته شدند.

• در نتیجهٔ حملهٔ طالبان مسلح بالای گروهی از کارگران در مناطق مرزی ولایت فراه، ۱۷ تن کشته و زخمی شدند. مقامات امنیتی گفته اند که این رویداد حوالی ساعت ۹ بامداد امروز در ولسوالی پشتکوه صورت گرفته است. فرماندهٔ پولیس فراه در این رابطه به رسانه ها گفته است، تمامی این افراد کارگرانی بودند که از یکی از روستاهای ولسوالی پشتکوه برای کار در مرز "میل ۷۸" رفته بودند. به گفتهٔ وی؛ در ۲۰ کیلومتری مانده تا مرز ایران و افغانستان، طالبان مسلح این افراد را متوقف ساخته و ۱۱ تن شان را کشته و ۶ تن دیگر را مجروح کردند. این کارگران از قومیت "بلوچ" ساکن در ولسوالی پشترود بوده اند.

• به گزارش رسانه ها، در اثر اصابت یک فیر ماین هاوان مخالفین در صحن لیسهٔ میاعمر شهر جلال آباد ولایت ننگرهار صبح امروز ده تن از معلمین و شاگردان آن لیسه زخمی گردید.

• در اثر اصابت ماین هاوان شب گذشته بریک منزل مسکونی در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز شش فرد ملکی زخمی شد. محمد هاشم نورزی ولسوال خاشرود نیمروز به رسانه ها گفته است، این ماین هاوان از سوی نیروهای اردوی ملی سهواً بالای یک منزل مسکونی پرتاب شده که بر منزل خساره وارد شده است.

۹سنبله:

• فرمانده پولیس کابل اعلام کرد که نیروهای پولیس این شهر توانسته سه نفر را به اتهام تجاوز جنسی و سرقت اموال شهروندان این شهر بازداشت کنند. در شب اول ماه سنبله چهار خانواده که از یک عروسی عازم منزل شان بودند در منطقهٔ پغمان در شمال غرب کابل، موتر آنان متوقف و زنان و مردان به مکانی دورتر منتقل شدند و بعد از سرقت اموال با ارزش آنان به زنان این خانواده نیز تجاوز شده است. فرماندهٔ پولیس کابل امروز در یک نشست خبری درباره جزئیات این حادثه گفت که این افراد که مسلح بودند و لباس پولیس برتن داشتند دو موتر را که سرنشینان آن مرد و دو موتر دیگر را که سرنشیناتش زنان بودند، متوقف کرده و آنها را به یک باغ منتقل کردند و آنچه روی داده، دستگیر شده گان به جرم شان اعتراف کرده اند. به گفتهٔ وی، تمام این افراد سابقهٔ جرمی دارند و از جمله رئیس این باند، قبلاً به ۵ سال زندان محکوم شده بود.

۱۲سنبله:

• مقامات امنیتی ولایت کنر گفته اند، شب گذشته صد راکت از آنسوی خط دیورند بر این ولایت پرتاب گردیده است. قوماندان امنیهٔ این ولایت گفته است که این راکت ها بر ولسوالی های دانگام و شیگل این ولایت اصابت کرده، اما تلفات در پی نداشته است.

۱۳سنبله:

• در نتیجهٔ یک حملهٔ گروهی انتحاری در ولایت غزنی ۱۲ تن کشته و ۶۰ تن دیگر زخمی شدند. اسدالله انصافی آمر امنیت قوماندانی امنیهٔ ولایت غزنی به رسانه ها گفته است، ۱۳ حمله کنندهٔ انتحاری صبح امروز بر ساختمان های ریاست امنیت ملی و نیروهای واکنش سریع در مرکز این ولایت حمله کرده و حدود یک ساعت میان نیروهای امنیتی و حمله کننده گان درگیری رخ داد. به گفتهٔ منبع در جریان این درگیری ها ۱۲ تن از نیروهای امنیتی کشته شده و تمامی حمله کننده گان انتحاری نیز از پا درآورده شده و به هلاکت رسیدند. آمر امنیت قوماندانی امنیهٔ ولایت غزنی همچنان گفته است، ۶۰ تن از زخمی های رویداد شامل افراد ملکی و نیروهای امنیتی اند.

۲۰سنبله:

• مردان مسلح ناشناس در ولایت تخار پس از قتل یک داماد گوش های تازه عروس آن را زخمی کرده و تمام زیورات وی را با خود برده اند. پولیس تخار گفت است که این رویداد در منطقهٔ قبر قاضی در غرب شهر تالقان روی داده است. جمیلهٔ ۱۸ ساله تازه عروسی کرده بود، اما مردان مسلح ناشناس در یکی از شب ها به خانه وی داخل شده شوهرش را به شهادت رساندند. جمیله می گوید مردان مسلح پس از قتل شوهرش گوش های او را با چاقو زخمی کرده و زیورات وی را با خود برده اند.

۲۴سنبله:

• دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی خبر می دهد که در طی یک عملیات خاص نیرو های ریاست عمومی امنیت ملی، شب گذشته خطرناکترین ، بزرگترین، ظالمترین و ماهر ترین مجرم حرفوی در تاریخ معاصر افغانستان، به اسم خدا داد مشهور به رئیس خدایداد، دستگیر گردید. رئیس خدایداد در طی چندین سال گذشته در صد ها بزرگترین قضایای اختطاف، قتل عمد، سرقت های مسلحانه دخیل بوده. خداداد نام چندین شبکه اختطاف و سرقت های مسلحانه را در کابل و سایر ولایات افغانستان از داخل و خارج کشور رهبری می کرد. در خبرنامه آمده است، طی یک عملیات خاص که حدود ۳۶ ساعت طول کشید به راه انداخته شد که در نتیجه با دو تن از همدستانش از ناحیهٔ پنجم شهر کابل دستگیر گردید. در جریان عملیات نامبرده کوشش نمود تا با استفاده از سلاح کمری مقاومت نماید که با واکنش سریع موظفین شجاع و دلیر ریاست عمومی امنیت ملی بدون استفاده از سلاح نامبرده با هردو همراهان اش دستگیر نمایند. تاکتیک های رئیس خدایداد منحصر به خودش بوده که در کابل، ولایات قندز و ننگرهار، کشور های جمهوری تاجیکستان، پاکستان و امارات متحدهٔ عربی با هویت های جعلی با پاسپورت های مختلف بود و باش می کرد. رئیس خدایداد در لست سیاه کشور تاجیکستان و در لست مجرمین بزرگ تحت تعقیب انترپول (پولیس بین المللی) نیز شامل بود.

۲۵سنبله:

• در یکی از ایستگاه های موترهای باربری در بندر تورخم، شب گذشته چند انفجار پیهم رخ داد. مسوول رسانه ها در قوای سرحدی افغانستان به رسانه ها گفته است، این انفجارها حوالی ساعت هشت شب در مقابل ساختمان جدید گمرک، رخ داده اند. به گفتهٔ وی، یکی ازین انفجارها انتحاری بود. و چند بمب مقناطیسی نیز در لاری های نصب شده بودند که انتظار بارگیری را می کشیدند. گزارش شده است که حدود ده موتر لاری درین انفجارها آتش گرفته اند.

• در اعلامهٔ مطبوعاتی قوماندانی امنیهٔ ولایت کابل آمده است، حوالی ساعت ۸:۱۰ دقیقه صبح امروز یک حمله کنندهٔ انتحاری سوار بر یک واسطهٔ نوع کرولا کاروان نیروهای خارجی را در مقابل وزارت سرحدات اقوام و قبایل در مربوطات حوزهٔ دهم امنیتی پولیس شهر کابل آماج قرار داد که در نتیجهٔ آن ۱۳ تن از افراد ملکی مجروح شدند . دراین رویداد ۳ تن از نیروهای خارجی نیز کشته شده است. همچنان دراین رویداد ۱۷ واسطه تخریب شده است.

•

پایان یک انتظار...

با توجه به این حقیقت که مردم در طول چند ماه گذشته بشدت از دوام کشمکش میان دو نامزد خسته شده اند، دیموکراسی در ذهن مردم اهمیت خود را بشدت از دست داده است.

ما در گذشته هم در افغانستان شاهد این حقیقت بوده ایم که چگونه مایوسی ملت از کارائی دیموکراسی به ظهور دیکتاتوری در این کشور کمک کرد. زمانیکه دیموکراسی ظاهر شاه به علت کشمکش های تکراری میان پارلمان و حکومت سرانجام به بن بست برخورد، داودخان با استفاده از نا رضایتی مردم دست به کودتا زد و به نام جمهوریت، دیکتاتوری دیگری را بر ملت تحمیل نمود و جالب بود که مردم در سراسر کشور نیز از این تحول استقبال نمودند. پارلمان، انتخابات و آزادی بیان همه به فراموشی سپرده شد زیرا مردم بیشتر به فکر نان بودند و مسایلی چون آزادی بیان و یا انتخابات را که در دههٔ دیموکراسی تجربه کردند، مسایلی «لوکس» و حتی بی ارتباط به تغییر در وضع زندگی مادی خود تلقی می کردند.

امروز جنگ مخالفین مسلح دولت می تواند مانعی در راه تسلط دیکتاتوری با استفاده از تجارب سابق در این کشور باشد اما تجربه نشان داده که مردم ما همانقدر که در برابر تجاوز خارجی حساس و ستیزه جو هستند و سلطهٔ بیگانه را برنمی تابند، با نظام های دیکتاتوری کنار می آیند. نفس همین روحیه در میان مردم می تواند مشوقی برای کسانی باشد که خواب حاکمیت طولانی مدت از راه زور بر این کشور را درسر می پرورانند.

در طول چند ماه گذشته بیشتر تاکید روی تاثیرات منفی دوام کشمکش های انتخاباتی و تاخیر اعلام نتایج بر وضع اقتصادی و امنیتی کشور و تاثیرات آن بر زندگی اکثریت مردم بود اما بی اعتبار شدن ارزش های دیموکراسی در عمل می تواند تاثیرات عمیق تری بر ذهن و روان جامعه از خود برجا بگذارد و از دیموکراسی جز تقلب و فساد چیزی در اذهان تداعی نگردد.

با توجه به چالشی چنین هولناک، لازم است تا طرف های امضا کنندهٔ توافق حکومت وحدت ملی، با صداقت و اخلاص در راه تطبیق مفاد آن سند گام بردارند و ملت را از گردابی چنین هایل برهانند تا ما بار دیگر شاهد پیامدهای خطرناک شکست یک دیموکراسی دیگر در افغانستان نباشیم.

عدم تطبیق قانون؛ زمینه ساز نا امنی و جنایت در کشور می شود

□ **شعیب رحیمی**

کشور عزیزم افغانستان سالهاست که با ناهنجاری ها، نابسامانی ها و مشکلات گونه گون روبرو است. در گذشته های دور که صفحات تاریخ کشورم را مطالعه می کنم؛ درک می کنم که کشورم بارها توسط انگلیس ها مورد هجوم قرار گرفته است، زمانی هم اتحاد جماهیر شوروی وقت، آبادی کشورم را به ویرانی مبدل کرده است، گاه گاهی هم همسایه هایمان کشورم افغانستان را مورد تجاوز قرار داده اند و زمانی هم در اثر اختلافات ذات البینی، کشورم صدمه دیده است. که مردم کشورم انتظار آنرا نداشتند.

زمانی یک کشور مورد حمله قرار می گیرد که اختلافات مختلف در میان مردم یک کشور به اوج خود رسد و کشور من هم به همین سبب بارها مورد حمله قرار گرفته است. زمانیکه مردمم حس برادری و حس افغان بودن را نسبت به یکدیگر فراموش کرده اند فرصتی برای بیگانگان فراهم کرده اند تا دلیرانه کشورم را به خاک یکسان کنند. به هر صورت کشورم از دست خود ما و بیگانگان آنقدر آه و فریاد کشیده است که کتابها باید نوشت.

آه مردمم! مردمم هم از این ناهنجاری ها و تجاوزات جان به سلامت نبرده اند و فرصتی برای نفس کشیدن راحت بدست نیاورده اند. در طول حدود چهار دهه، به اشکال گونه گون برخی مردم ما صدمه می بینند و جان های شیرین شان را از دست می دهند و به جمع معلولان می پیوندند.

چه زنده گی نابسامانی داریم ما! با وجود اینهمه نابسامانی ها و دربدری های که مردم ما رنج آنرا با دل نا خواسته می کشند، حادثهٔ وحشتناک و دلخراشی توسط چند تن حیوان وحشی در پغمان، بر آلام مردم افزود. حادثه قسمی حکایه می شود که، دو موتر کرولا از عروسی به خانهٔ خود می رفتند توسط چند تن جنایت کار در مسیر قرغه توقف داده شدند. این جنایت کاران مردان این خانواده ها را بسته کرده و بالای چند تن از خواهران افغان ما تجاوز گروهی می کنند؛ یکی از آنها دختر ۱۸ ساله بود که در اثر حمله و خجالتی فوت می کند و همهٔ انسانیت را در سوگ خود نشاند. که زخم ها و دردهای مردمم را شدیدتر ساخت؛ چنان حادثهٔ در زمان این حکومت ضعیف در کشورم اتفاق افتاد که تاریخ افغانستان نظیرش را ندیده است. و قلب هر انسان را که ذرهٔ از احساس انسانیت در وجودش باشد داغدار می کند. و این حادثه کدام حادثهٔ کوچک نیست که مردم آرام به سر برند این حادثه چنان تاثیرات خود را داشته که همهٔ افغان ها را سخت به خشم آورده است. و هر افغانیکه این حادثه را می شنود به خشم آمده و حکومت را مورد انتقاد شدید قرار می دهد چون حکومت افغانستان بیش از یک دهه می شود که هیچگونه واکنش جدی علیه جنایت کاران از خود نشان نداده است. اگر طالبان و سایر مخالفین دولت مرتکب جنایت می شوند بخشیده می شوند و یا در اثر فشارهای خارجی و داخلی از زندان رها می شوند و یا اگر مردمم از سوی خارجی ها بمباران می شوند سخت ترین جزا برای آنان محکوم کردن است؛ سیاست ضعیف حکومت در قبال مخالفین جرأت بیشتر برای جنایت کاران می دهد. اگر کسی مردم را مورد تجاوز جنسی قرار می دهد و یا به قتل می رساند، مجازات علنی صورت نمی گیرد تا پندی باشد برای دیگران. از این سبب است که جنایت کاران جرئت می یابند و این چنین جنایات را مرتکب می شوند.

در این اواخر میزان جرم و جنایت به مراتب بیشتر شده است. بنابرین به تغییر بعضی از قوانین کیفری نیاز داریم که زنده گی خوب را برای مردم تضمین کند. و این قوانین جز قوانینی که از سوی الله فرستاده شده است، نیست. که با پیاده شدن آن، میزان جرم و جنایت به مراتب کمتر می شود. چون خداوند زنده گی و رفاه همه جانبهٔ انسان های روی زمین را در صورت اجرای قوانین اسلام تضمین کرده است و تاریخ هم این امر را ثابت کرده است که هیچگونه شکی وجود ندارد. در صورت عدم اجرای قوانین اسلامی در کشور میزان جرم و جنایت بیشتر خواهد شد.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ بیست و سوم ۳۱سنبله ۱۳۹۳ ۲۷ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۵ 22 Sep 2014

نامزدان دور دوم انتخابات ریاست جمهوری توافق نمودند تا حکومت وحدت ملی تشکیل دهند



□ **اندیشه**

سرانجام پس از ماه ها کشمکش و اختلافات بر سر نتایج انتخابات، نامزدان دور دوم ریاست جمهوری موافقت کردند، تا حکومت وحدت ملی را با اشتراک هر دو تیم به طور مساویانه تشکیل بدهند. آقایان عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی سند تشکیل حکومت وحدت ملی را با حضور سران هر سه قوه، نمایندهٔ سازمان ملل متحد و سفیر امریکا، در ارگ ریاست جمهوری به روز یک شنبه تاریخ ۳۰ سنبله به امضا رساندند. حامد کرزی رئیس جمهور، پس از امضای این موافقت‌نامه توسط هردو نامزد انتخابات ریاست جمهوری، در سخنان کوتاهی گفت که محتوای این موافقت‌نامه توسط هردو ستاد انتخاباتی ترتیب شده و حکومت در ترتیب محتوای آن نقشی نداشته است.

در متن توافق نامه آمده است که هر دو ستاد برسر تشکیل دولت مشترک توافق و براساس این توافق، قدرت بین هردو نامزد به صورت مساوی تقسیم می شود.

برنباد متن توافق نامه قرار شده تا دو سال دیگر لویه جرگه فراخوانده شود و پس از تعدیل قانون اساسی پست صدراعظم ایجاد شود. در متن آمده است که هر دو طرف توافق کردند تا اصلاحات را در نظام اداری کشور تسریع بخشند، به مردم شناس‌نامهٔ برقی توزیع کنند و در سیستم انتخاباتی و کادر رهبری آن تغییرات جدی بیاورند.

در بخش دوم این توافق نامه آمده است که رئیس اجرایی در مجالس تصمیم گیری دولت شرکت می‌کند و مدیریت امور اداری و اجرایی حکومت به عهدهٔ او است. براساس این توافقنامه، رئیس جمهوری ریاست "کابینه" را به عهده خواهد داشت. براساس تعریف این توافقنامه، کابینه متشکل است از رئیس جمهوری، معاونان او، صدراعظم اجرایی، معاونان صدراعظم اجرایی، مشاور ارشد رئیس جمهوری و وزیران. دربخش دیگر این توافقنامه آمده است که ریاست شورای وزیران به عهدهٔ رئیس اجرایی گذاشته شده است. توافق هر دو ستاد انتخاباتی با استقبال امریکا، سازمان ملل متحد، ناتو و برتانیا مواجه شده است و آن را گامی بسوی ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی در افغانستان خوانده اند.

توافق هردو نامزد با استقبال گرم مردم نیز قرار گرفته است. در عین حال یوسف نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات در یک نشست خبری بدون ارائهٔ آمار آراء، اشرف غنی احمدزی را به حیث رئیس جمهور اعلام نمود. نورستانی که وظیفه اصلی اش برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه و سر انجام اعلان نتیجه بر بنیاد آمار دقیق آراء بود، نتوانست وظیفهٔ خود را در جریان متصدی بودنش به پایه اکمال برساند. وی با شرمندگی تأیید نمود که مشکلاتی در پروسهٔ انتخابات وجود داشت تا سبب بروز چالش ها شود. پس بهتر بود، آقای نورستانی به جای اعلان اینکه کی رئیس جمهور شده است، خاموشی اختیار می کرد و به متن توافق سیاسی میان هر دو نامزد اکتفاء می نمود.

موافقت نامه میان دو تیم انتخاباتی در مورد ساختار حکومت وحدت ملی

کابل – ۲۹ سنبله ۱۳۹۳

ص۶

پایان یک انتظار

□ **وحید مژده**

پس از ماه ها انتظار سرانجام در اثر وساطت شخصیت های داخلی و فشارهای خارجی، توافقنامه ای میان دو کاندیدای ریاست جمهوری در مورد ایجاد حکومت وحدت ملی به امضا رسید و به ماه ها بن بست ظاهراً نقطهٔ پایان نهاد.

به موجب این توافق نامه، قدرت میان دوطرف بطور مساویانه تقسیم خواهد شد که به موجب آن رئیس جمهور ریاست کابینه و رئیس اجرائی حکومت ریاست مجلس وزراء را بعهده خواهند داشت. به این ترتیب با توافق سیاسی، موضوع تخنیکی انتخابات یعنی شمارش و آراء و بطلان آرای تقلبی، اهمیت خود را از دست داد. در تقلبی به چنان گستردگی، هیچ راهی جز توافق سیاسی میان دو نامزد نمی توانست گره گشای این معضل باشد.

اما سوال اینست که آیا این توافق را می توان یک عقب نشینی برای دیموکراسی در افغانستان بشمار آورد؟ بعضی ها ممکن است دو نامزد ریاست جمهوری را بخاطر پافشاری بر مواقف شان که سرانجام به یک حکومت شبیه ائتلافی انجامید مقصر بدانند که آنها موجب شدند تا دیموکراسی نوپا در افغانستان آسیب ببیند اما اگر بیطرفانه به اوضاع کشور از کنفرانس بن اول به بعد نظر بیاندازیم به این نتیجه می رسیم که سنگ بنای این نظام از همان آغاز کار کج نهاده شد. وقتی در کنفرانس بن اول داکتر عبدالستار سیرت که بیشترین آراء را برده بود، ناکام اعلام شد و بجایش حامدکرزی در راس حکومت برآمده از نشست بن قرار گرفت، درحقیقت در آنجا نیز این مصلحت در نظر گرفته شد که رای اهمیتی ندارد.

نگارنده روزی از آقای داکتر عبدالستار سیرت در این مورد پرسیدم که دلیل اینکه شما از حق تان در برابر حامدکرزی در کنفرانس بن گذشتید چه بود؟ وی با تواضع گفت که در این کنفرانس به من گفتند کسی که در راس دولت های انتقالی و موقت قرار می گیرد، حق شرکت در انتخابات را نخواهد داشت و من کرزی را بصورت موقت پذیرفته بودم اما کسانی به امریکائی ها مشورت دادند که وضع افغانستان از دیگر کشورها کاملاً فرق دارد. در کشوری مانند افغانستان زیاد نباید به فکر تطبیق فرمول ها بود و بنابراین حامدکرزی باید «مردی برای همه فصل ها» باشد.

حامدکرزی در انتخابات ریاست جمهوری دور اول با اکثریت آراء به پیروزی رسید و تلاش این بود تا تعداد آرای وی بصورت تقلبی زیاد نشان داده شود تا به مشروعیت نظام افزوده گردد. تلاش برای استحکام مشروعیت از راه ازدیاد تقلبی رای در صندوق ها صورت گرفت وکسی هم زیاد بدنبال اعتراض به تقلب نبود.

در انتخابات بعدی ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ میان داکتر عبدالله و کرزی، میزان تقلب در دور اول بحدی زیاد بود که سر و صدای جامعهٔ جهانی را هم بلند کرد اما حامدکرزی نمی خواست این حقیقت را بپذیرد. کشمکش بر سر جدا کردن رای تقلبی از رای اصلی به کشمکش میان کرزی و خارجی ها انجامید. سرانجام بعد از باطل شدن میلیونها رای، انتخابات به دور دوم رفت.

وساطت امریکا میان دو نامزد موجب گردید که سرانجام داکتر عبدالله بخاطر مصلحت از ادعای خود مبنی بر تقلب از جانب کرزی دست بردارد اما چون می دانست که در دور دوم نیز انتخابات مملو از تقلب خواهد بود، ترجیح داد تا در این دور از انتخابات شرکت نکند. کمیسیون انتخابات نیز حامدکرزی را بعنوان رئیس جمهور اعلام نمود.

غیر از انتخابات ریاست جمهوری، در انتخابات پارلمانی نیز ما شاهد تقلب های گسترده به نفع زورمندان بودیم که نتیجهٔ آن نیز پارلمانی بود که اکثریت اعضای آنرا مردمانی استفاده جو و فرصت طلب تشکیل می داد.

***

اکنون حرف بر سر اینست که شکست دیموکراسی چه پی آمد هایی برای افغانستان در قبال خواهد داشت؟

ص۷